

## مرد میدان معرکه و دیپلماسی



در یادداشت پیش رو محمد مهدی طباحیان  
درباره وجوه اشتراک زید بن صوحان  
و هاشم بن عتبه بن ابی وقاص با  
حاج قاسم سلیمانی نوشته است.  
این دو تن، از اصحاب تأثیرگذار و  
شاخص امیرالمؤمنین علی<sup>(ع)</sup>  
بودند.



سال خورده پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> و رفیق دیرین علی<sup>(ع)</sup>، حذیفه بن یمان، می ایستد تا چراغ بیندازد و در این ظلمت راه نشان دهد. آنان برای تهییج کوفه به همراهی با امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> و بیعت ستانی برای حضرتش تلاشی بیش از توقع و انتظار می کنند. اشعری مثل ساحران فرعون هر روز علیه علی<sup>(ع)</sup> ماری از آستین بیرون می آورد و فتنه ای جدید برپا می کرد و برخلاف رویه عمومی که استانداران باید برای خلیفه بیعت بستانند، کار را دائم به تأخیر می انداخت و این تأخیر سم مهلک دولت علوی و نوشداروی جملیان بود. همین جاست که زید در میانه مسجد برمی خیزد و معرکه ای به راه می اندازد و تلاش می کند نسبت به ابوموسی اشعری موضع منفی اتخاذ کند و تأخیر او را برای بیعت در رسانه ها پررنگ کند. زید وارد مسجد می شود و به ابوموسی می گوید آیا به حقانیت مولایمان مرددی؟ اشعری پاسخ می دهد: بگذار کمی بیشتر تأمل کنیم، عجله برای چیست؟ زید بن صوحان به این روباه پیر پاسخ می گوید که تعلق برای چیست؟ با مردمان صادق باش! اگر بنای بیعت با علی<sup>(ع)</sup> نداری، ما بزرگان و ریش سفیدان اصحاب برای این امر چاره و کاهلی تو را جبران کنیم. کلام زید به پایان نرفته بود که خودش دست مجروحش را بلند می کند و با

حاج قاسم برخلاف برخی از آقایانی که فقط ادعا دارند و اهل عمل نیستند برای نظام اسلامی کم هزینه ولی پرفایده است؛ مدیری بهانه گیر و اهل حرف نیست. اگر هم جایی به فضای رسانه وارد می شود، برای دفاع است. حاج قاسم از این منظر تشابهاتی با دو تن از اصحاب امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> دارد. یکی زید بن صوحان و دیگری هاشم بن عتبه بن ابی وقاص. حاج قاسم می داند که باید کرمان باشد و با اشار مقابله کند، کی باید در عرصه سپاه قدس باشد و کی در کربلای ۵. جایی که به او می گویند بیارئیس جمهور شو، پاسخش منفی است. زید بن صوحان، از اصحاب پیامبر<sup>(ص)</sup> و یار دیرین امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> است؛ مردی محترم، معتبر و اهل زهد و عبادت. هنوز هم ورودی مسجد سهله، مسجدی که به دستان خودش بنا کرد، به نام مبارکش مزین است. در آغازین روزهای خلافت مولا، ابوموسی اشعری کوفه را متلاطم کرد. اشعری طوفانی از شبهه به راه انداخت که سوی چشم ها را ستانده بود. در این وضع، باید خیلی بصیر باشی تا راه را از بیراهه تشخیص دهی. دولت نوپای علوی به بیعت کوفیان محتاج بود و کوفه چون بیماری در شرف احتضار، جانی برای لبیک نداشت. اینجاست که ابن صوحان جایش را پیدا می کند، زید دوشادوش صحابی



دست دیگرش بیعت می کند و فریاد برمی آورد: دست سالم را دستان مطهر مولایم بدانید و دست مجروح را دست زید، من بیعت را آغاز کردم، هرکه با علی<sup>(ع)</sup> است، یا پیش بگذارد و با دست سالم من به نیابت مولایم بیعت کند. مردم و مورخان و حتی دیوارهای مسجد کوفه برای همیشه شهادت دادند اولین دستی که در کوفه به سمت بیعت با علی<sup>(ع)</sup> دراز شد، دست جانباز زید بود و هم او بود که آب بر آتش فتنه اشعری ریخت و کوفه را برای مولایش آماده ساخت. نیز به وقت جنگ جمل، یکی از سران جبهه مخالف حضرت علی<sup>(ع)</sup>، اقدام به نامه نگاری با برخی بزرگان می کند که یکی از آن ها زید بن صوحان است. آن فرد زید را با لفظ پسر خطاب می کند و با عنوان ام المؤمنین از او می خواهد که با علی<sup>(ع)</sup> همراهی نکند، اما زید در پاسخ می نویسد: تو تا زمانی مادر ما هستی که خانه نشین باشی و مرام و مروت برخلاف پیامبر<sup>(ص)</sup> نباشد. ما در حمایت از علی بن ابی طالب<sup>(ع)</sup> کم کاری نمی کنیم. زید همچنین بخش مهمی

از جنگ جمل را راهبری می کند و پس از اینکه جنگ پیروز می شود، علی<sup>(ع)</sup> او را در آغوش می گیرد و می گوید خوش به سعادتت که کم خرج بودی، ولی پرفایده. هاشم مرقال هم رزمنده مجاهد و شخصیت رسانه ای قدرتمندی دارد. او آنجایی که باید از امیر<sup>(ع)</sup> دفاع کند، جانانه دفاع می کند و در مقدمه جنگ جمل برای گرفتن بیعت به نفع امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> قیام می کند و نقش مؤثری هم در جنگ صفین دارد. او زمانی که به شهادت رسید، معاویه به منبر رفت و گفت: علی بن ابی طالب دو بازوی قدرتمند داشت که با این دو در صفین رزم می کرد؛ یک بازو عمار بود و یک بازو هاشم بن عتبه بن ابی وقاص. من موفق شدم هردو بازو را قطع کنم. مرقال فوق العاده نزد امیر<sup>(ع)</sup> محبوب بود و در نهایت هم در صفین مظلومانه به شهادت رسید. امیر<sup>(ع)</sup> بر بالای بالینش هفتاد تکبیر گفت و نمازی طولانی خواند؛ نمازی که رهبر معظم انقلاب بر پیکر حاج قاسم خواندند، شبیه نمازی بود که امیر<sup>(ع)</sup> برای هاشم مرقال خواندند.

### ♦ حاج قاسم در بخش دیگری از وصیت نامه اش خطاب به سیاستمداران کشور نکاتی را بیان کرد. به نظر شما باتوجه به نزدیکی بودن به ایام انتخابات مجلس چه میزان از این نکات مورد توجه سیاستمداران کشور قرار دارد؟

ایشان در درجه اول تأکید داشت که همه جریان های سیاسی که مدافع نظام و انقلاب هستند و خودشان را تثبیت کننده نظام جمهوری اسلامی می دانند و در جهت تحکیم مبانی جمهوری اسلامی عمل می کنند، باید با حفظ محوریت و گفتن رهبری در نظام جمهوری اسلامی، انسجام، وحدت و یکپارچگی خود را در مقابل دشمنان حفظ کنند و از تفرقه، تشتت و ناخن کشی به همدیگر و از درگیر شدن با مسائل جزئی و سلیقه ای پرهیز کنند. بنابراین، سیاستمداران و احزاب باید تلاش کنند که با وحدت و یکپارچگی حرکت انقلاب را در مسیر آرمان های آن تثبیت کنند.

طبیعتاً یکی از سفارش های ایشان حفظ وحدت، انسجام و یکپارچگی حول محور ولایت توسط همه جریان های سیاسی معتقد به انقلاب است.

### ♦ از نظر شما حاج قاسم با نوشتن چنین وصیت نامه ای به دنبال تبیین چه مسائل و اهدافی بوده است؟

ایشان سعی کرد مکتبی را در جامعه اسلامی جای بگذارد که این مکتب «تبعیت از ولایت و رهبری» را به عنوان تنها راه نجات ملت در فتنه ها، بحران ها و مشکلات تضمین و تأکید می کرد. نکته دوم اینکه راه عبور از مشکلات، گرفتاری ها و موانعی که در مسیر انقلاب اسلامی و تعالی و اقتدار اسلام در جهان وجود دارد، «وحدت و انسجام جبهه مقاومت حول محور ولی امر مسلمین جهان» است. حاج قاسم تلاش کرد این مکتب را در داخل جامعه، در منطقه و در جبهه مقاومت تثبیت کند و جا بیندازد که تنها راه اعتلای اسلام در اوضاع کنونی این مسیر است.

### ♦ در سال ۱۳۹۶ خبرهایی مبنی بر نامزد شدن حاج قاسم در انتخابات ریاست جمهوری مطرح شد که با اقبال طیف های مختلفی از مردم و مسئولان همراه شد. به نظر شما حاج قاسم چه ویژگی هایی داشت که خبر نامزد شدنش این گونه مورد اقبال واقع شد؟

اینکه خبر نامزد شدن حاج قاسم در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶ مورد اقبال قرار گرفت، سه دلیل داشت؛ دلیل اول ولایت پذیری و سربازی بدون منت ایشان در طول فعالیت و خدمتش بود، دلیل دوم کارآمدی

و توانمندی ایشان در مقابله با بحران ها و مشکلات مهم در جهان و منطقه مثل داعش و مسائلی بود که در منطقه رخ داد و دلیل سوم هم نگاه جامع و پدرا نه ای بود که به همه جریان های سیاسی داشت.

### ♦ اگر حاج قاسم زنده بود، باتوجه به وضع کنونی جامعه به ویژه مشکلات اقتصادی و مطالبات مردم، چه رویکردی درباره انتخابات مجلس برمیگزید؟

اگر حاج قاسم زنده بود، قطعاً در این انتخابات شرکت می کرد. ضمن اینکه با شرکت آگاهانه و بصیرانه اش کسانی را انتخاب می کرد که بتوانند تحول لازم را در عرصه های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور پدید آورند. دیگر اینکه تلاش می کرد با تبیین این مسئله در جامعه و روشن کردن افکار عمومی جامعه، توطئه دشمن را در کاهش مشارکت و کاهش پشتوانه مردمی انقلاب اسلامی برای همه روشن و شفاف کند تا مردم فریب تبلیغات و سیاه نمایی های دشمن را نخورند. در نهایت اگر حاج قاسم بود، تلاش می کرد امید به آینده را در مردم و نسل جوان به گونه ای منطقی ترویج کند تا مردم نقاط مثبت جمهوری اسلامی و گام های مثبتی را که برای حل مشکلات برداشته شده است، بیشتر ببینند.

